بدون مرز

همزیستی دو پیرزن و ۷۷ گربه در دو خودرو

گروه حوادث: پلیس ایالت نیوانگلند امریکا دو پیرزن را به اتهام نگهداری غیرقانونی ۷۷ گربه درون دو خودرو و زندگی با این حیوانات دستگیر کرد. به گزارش آسوشیتدپرس، پال دوشت رئیس پلیس منطقه «بنینگ تن» در ایالت نیوانگلند گفت: این دو زن که ۵۴ساله و ۶۱ساله هستند، در حالی که ۷۷ گربه و بچه‌گربه را در وضعیت اسفباری درون دو خودرو فرسوده نگهداری و با آنها زندگی می‌کردند، توسط پلیس دستگیر شدند. این مقام مسوول پلیس اضافه کرد: این گربه‌ها به شدت بیمار بودند و بوی تعفن از خودروهایی که آنها درون‌شان نگهداری می‌شدند، استشمام می‌شد. ماموران پلیس این حیوانات را برای نگهداری و رسیدگی به وضعیت‌شان به یک مرکز حیوانات خانگی منتقل کردند. بنا بر این گزارش دو پیرزن به اتهام نگهداری غیراصولی و آزار رساندن به حیوانات توسط دادگاه ایالتی به پرداخت جریمه نقدی محکوم شده‌اند.

رکورد بزرگ‌ترین پرچم جهان

دولت لبنان از دوخت بزرگ‌ترین پرچم دنیا با ۶۵ هزار متر مربع مساحت در این کشور خبر داد و اعلام کرد دوخت این پرچم در کتاب رکوردهای گینس به ثبت رسید. به گزارش ایسنا، سخنگوی ارتش لبنان عنوان کرد: رکورددار پیشین دوخت پرچم با مساحت ۶۰ هزار متر مربع مراکش بود. وی ادامه داد: این پرچم در پایگاه هوایی «رایاک» در شرق لبنان دوخته و در حضور نمایندگان کتاب رکوردها رونمایی شد. بنا بر این گزارش لبنان پیش از این نیز رکورددار تهیه سالادی به وزن سه و نیم تن بود.

جیغ‌های یک زن او را به دادگاه کشاند

مردی به این دلیل که همسرش با صدای بلند صحبت می‌کند و مرتب جیغ می‌کشد خواستار جدایی از او شد. به گزارش فارس این مرد ۳۷ساله به رئیس شعبه ۲۳۴ مجتمع قضایی خانواده گفت: باید از همسرم جدا شوم چون دیگر تحمل فریادزدن‌های او را ندارم. این مرد که سه فرزند دارد، توضیح داد: «همسرم صحبت کردن معمولی‌اش همراه با جیغ و فریاد است و ما اصلاً آرامش نداریم و من برای نجات خودم راهی جز جدایی به ذهنم نمی‌رسد.» پس از اظهارات این مرد همسرش به قاضی دادگاه گفت: شوهرم به دنبال بهانه برای جدایی می‌گردد و بهانه‌ای بی‌منطق‌تر از این نتوانسته پیدا کند. او ادامه داد: من اگر از او جدا شوم تمام حق و حقوق و مهریه ۵۸۰ سکه‌ای‌ام را می‌گیرم. بنا بر این گزارش قاضی دادگاه بعد از شنیدن حرف‌های دو طرف آنها را به مصالحه دعوت کرد.

خبر

بازداشت گروگانگیر فراری در روستای مرزی

گروه حوادث: یک شرور فراری که از سال‌ها پیش تحت تعقیب قرار داشت در یک روستای مرزی دستگیر شد. احمد شهرکی معاون هماهنگ‌کننده فرماندهی مرزبانی سیستان و بلوچستان اظهار داشت: این شرور معروف و خطرناک علاوه بر شرارت‌ها و ایجاد رعب و وحشت در سال ۸۶، به همراه همدستانش و به صورت مسلحانه اقدام به چند مرتبه گروگانگیری و راهگیری کرده و به داخل خاک کشور پاکستان متواری شده بود. شهرکی گفت: مرزبانان هنگ مرزی سراوان پس از یکسری اقدامات اطلاعاتی و تعقیب و مراقبت شبانه‌روزی مخفیگاه وی را در یکی از روستاهای نوار مرزی شناسایی و او را در یک اقدام غافلگیرانه دستگیر کردند.

دستگیری زوج خون‌آشام در امریکا

پلیس ایالت «آریزونا» در امریکا از دستگیری یک زوج خون‌آشام خبر داد. به گزارش ایسنا، «آرون هومر» ۲۴ساله و «آماندا ویلیامسون» ۲۱ساله اهل منطقه «چندلر» در ایالت «آریزونا» هستند که در پی حمله به منزل یک مرد ۲۵ساله به نام «رابرت مالی» او را ابتدا با چاقو و ساطور کشتند و تکه‌تکه کردند و سپس با ایجاد سوراخ‌هایی در جسد این مرد جوان، خون او را مکیدند. «جو فاواتزو» رئیس پلیس منطقه «چندلر» خاطرنشان کرد: این زوج جوان پیرو فرقه «خون‌آشام‌ها» هستند و قصد داشتند با این کار، تمرین مکیدن خون را انجام دهند.

با هوشیاری یک فروشنده لوازم صوتی‌تصویری

راز کلاهبرداری‌های پیچیده جراح قلابی قلب فاش شد

گروه حوادث: چرب‌زبانی و طراحی نقشه‌ای کاملاً حساب‌شده تنها ابزار جراح قلابی قلب برای سرقت چندین دستگاه تلویزیون ال‌سی‌دی بود. مرد شیاد در اجرای نقشه پیچیده‌اش از طریق آگهی روزنامه‌ها ده‌ها دستگاه تلویزیون را سرقت کرد و از همین راه نیز آنها را فروخت. به گزارش خبرنگار ما، روز چهارم مهرماه به ماموران کلانتری شهرک قدس خبر رسید مردی که قصد داشت با جا زدن خود به عنوان یک جراح قلب مشهور چند تلویزیون ال‌سی‌دی را بدزدد، دستگیر شده است. بلافاصله بعد از اعلام این خبر گروهی از ماموران به محل حادثه در میدان کاج رفتند. مردی که مدعی بود ال‌سی‌دی‌ها متعلق به اوست به ماموران گفت مرد شیاد خودش را به عنوان جراح مشهور قلب معرفی کرد و قصد داشت با نقشه‌ای پیچیده تلویزیون‌ها را از او سرقت کند اما او به نقشه‌اش پی برد و مانع‌اش شد.

با دستگیری متهم، وی به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۲، در اختیار افسران پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت تا آنها با انجام بازجویی‌های فنی حقیقت را کشف کنند. شاکی که فروشنده لوازم صوتی‌تصویری در خیابان جمهوری است در این مرحله به ماموران گفت: امروز- روز حادثه- مردی با من تماس گرفت و خودش را دکتر «م» جراح معروف قلب معرفی کرد و گفت به سه دستگاه ال‌سی‌دی نیاز دارد. او بعد از آنکه مشخصات تلویزیون‌های مورد نیازش را اعلام کرد آدرسی در منطقه سعادت‌آباد به من داد تا اجناس را برایش به آنجا بفرستم تا او پول آنها را به پیک بدهد. ابتدا حرف‌های دکتر را قبول کردم اما بعد به خاطر نوع حرف زدنش دچار تردید شدم و تصمیم گرفتم پیک را تعقیب کنم. وقتی پیک به محلی که دکتر اعلام کرده بود، رسید من با دقت همه چیز را زیر نظر گرفتم. دکتر که چهره‌اش با آن چیزی که من در ذهن داشتم تفاوت زیادی داشت دو دستگاه ال‌سی‌دی را تحویل گرفت و سپس همراه پیک به محل دیگری رفت. چند دقیقه بعد آنها مقابل یک مجتمع تجاری در میدان کاج رسیدند. در آنجا دکتر از پیک جدا شد و به مجتمع تجاری رفت. من که به او شک کرده بودم فوراً پشت سر او وارد پاساژ شدم و در کمال حیرت فهمیدم آنجا دو در دارد و دکتر از در دیگر خارج شده و قصد دارد سوار تاکسی شود. آنجا بود که فهمیدم سوءظنم درباره دکتر بی‌مورد نبوده و او یک کلاهبردار است. به همین دلیل با کمک مردم او را دستگیر کردم. از سوی دیگر راننده پیک نیز به ماموران گفت: بعد از آنکه دو دستگاه از ال‌سی‌دی‌ها را به مردی که فکر می‌کردم دکتر است، تحویل دادم او گفت قصد دارد سومین دستگاه را برای نصب به مطبش ببرد. او سوار خودرو من شد و مقابل پاساژی واقع در میدان کاج از من خواست توقف کنم تا او چند سکه طلا را در آنجا بفروشد. چند دقیقه منتظر شدم تا اینکه ناگهان فرستنده تلویزیون‌ها با من تماس گرفت و گفت آن مشتری کلاهبردار است.

دکتر قلابی که محمد نام دارد در حالی که همه شواهد را علیه خود می‌دید اتهامش را پذیرفت و به ارتکاب چندین فقره سرقت با این ترفند اقرار کرد. بررسی سوابق وی نشان داد او از افراد سابقه‌داری است که از سال ۷۰ تاکنون بیش از ۱۱ مرتبه به اتهام کلاهبرداری، جعل، استفاده از اسناد مجعول و نگهداری مواد مخدر دستگیر و زندانی شده است. محمد درباره شگردش به کارآگاهان گفت: ابتدا آپارتمان‌هایی را که آگهی فروش یا اجاره آنها در روزنامه‌ها چاپ شده بود شناسایی و با مراجعه به آنجا خودم را به عنوان جراح قلب معرفی می‌کردم. سپس با سرایدار آنجا طرح دوستی می‌ریختم و وانمود می‌کردم بر سر خرید یا اجاره آنجا با مالک به توافق رسیده‌ام و از او می‌خواستم وسایلی را که به آنجا می‌فرستم برایم مدتی نگه دارد. برای این کار مبلغ کمی هم پول به او می‌دادم و سپس سراغ مرحله دیگری از نقشه‌ام می‌رفتم. در ادامه با فروشگاه‌های لوازم صوتی‌تصویری تماس می‌گرفتم و سفارش سه دستگاه ال‌سی‌دی می‌دادم و آدرس مجتمعی را که با سرایدار دوست شده بودم به آنها می‌دادم و خودم نیز آنجا منتظر می‌ماندم تا تلویزیون‌ها برسد. در ادامه دو دستگاه از آنها را تحویل می‌گرفتم و به سرایدار می‌دادم و با این ادعا که می‌خواهم سومین دستگاه را به دفترم ببرم همراه با پیک به یک پاساژ که دو در داشت می‌رفتم. در آنجا به بهانه فروش سکه وارد پاساژ می‌شدم و از در دیگر آنجا فرار می‌کردم و سراغ سرایدار مجتمع مسکونی می‌رفتم و ال‌سی‌دی‌ها را از او تحویل می‌گرفتم. به دنبال اعترافات متهم، کارآگاهان پایگاه دوم پلیس آگاهی که احتمال می‌دادند سرقت‌های دکتر قلابی بیش از اعترافاتش باشد تلاش‌های وسیعی را برای شناسایی سایر مالباختگان آغاز کردند. در جریان این بررسی‌ها مشخص شد تاکنون ده‌ها نفر از محمد در دادسرای‌های دیگر شکایت کرده‌اند. سرهنگ مهرداد یگانه رئیس پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران، با اعلام جزییات این پرونده گفت: متهم در اعترافاتش اعلام کرده تلویزیون‌هایی را که تاکنون دزدیده خیلی سریع از طریق آگهی در روزنامه‌ها فروخته است. وی همچنین گفت: متهم برای جلب اعتماد طعمه‌هایش که اغلب فروشندگان لوازم صوتی تصویری هستند خود را «پزشک» به ویژه «یکی از جراحان معروف قلب» معرفی کرده است. او گاهی نیز از عناوینی همچون «تاجر» و «مهندس» برای فریب آنها استفاده کرده است. بنا به گفته این مقام پلیس تاکنون ده‌ها نفر از شاکیان شناسایی شده‌اند و ممکن است تعداد آنها بیشتر شود. سرهنگ یگانه همچنین از افرادی که با این شیوه و تحت عنوان پزشک، تاجر و مهندس از آنان کلاهبرداری شده، خواست برای طرح شکایت به پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران یا شعبه چهارم بازپرسی دادسرای ناحیه۲ تهران مراجعه کنند.

یک متهم به قتل اعتراف کرد

دوستم را کشتم تا با همسر سابقم ازدواج نکند

گروه حوادث: مردی برای اینکه مانع ازدواج دوستش با همسر سابقش شود دست به جنایتی خونین زد. به گزارش خبرنگار ما نخستین ساعات صبح روز شنبه هفته جاری کارآگاهان جنایی پلیس آگاهی ماموریت یافتند به روستای علی‌آباد بروند تا درباره قتل یک مرد جوان تحقیق کنند. این مرد که بهمن نام داشت با هشت ضربه چاقو از پا درآمده بود و آثار جراحت در شکم، گلو و کمر وی دیده می‌شد. جنازه در مکانی خلوت رها شده بود و ردپایی از قاتل یا قاتلان وجود نداشت اما با توجه به اینکه دزدی صورت نگرفته بود کارآگاهان دو فرضیه نزاع خیابانی و انتقام‌جویی را درباره قتل بهمن طرح کردند؛ احتمال نخست با توجه به تعدد ضربات وارده بر مقتول مردود تشخیص داده شد و افسران مبارزه با قتل راه‌حل این معما را در یافتن فرد یا افرادی که با بهمن خصومت داشتند، تشخیص دادند. برای تهیه این فهرست چاره‌ای غیر از بازجویی از خانواده قربانی وجود نداشت. آنها وقتی در برابر پرسش‌های پلیس قرار گرفتند، نتوانستند شخص خاصی را به عنوان مظنون معرفی کنند و صرفاً به گفتن این موضوع بسنده کردند که بهمن قصد داشت با زنی به نام مینا ازدواج کند. کارآگاهان تصمیم گرفتند تنها سرنخی را که به دست آورده بودند، پیگیری کنند. آنها با کمی پرس‌وجو متوجه شدند شب قبل از قتل بهمن به مقابل خانه مینا رفته و در آنجا با مردی به نام وحید درگیر شده بود. افشای این موضوع سبب شد بازپرس جنایی حکم جلب مینا و وحید را صادر کند. این دو در اداره آگاهی هرگونه ارتباطی با قتل را انکار کردند و حتی حاضر نشدند دعوا با بهمن را نیز بپذیرند. این انکارها چندان دوام نیاورد و مینا بعد از چند ساعت بازجویی اسرار قتل را برملا کرد و انگشت اتهام را به سوی مردی به نام اصغر گرفت. او گفت: «اصغر شوهر سابق من بود ولی ما به خاطر اختلافات شدید از هم جدا شدیم. مدتی بعد بهمن از من خواستگاری کرد. او از دوستان شوهر سابقم بود. من برای ازدواج با بهمن مخالفتی نکردم ولی شوهر سابقم که دوست نداشت این وصلت سر بگیرد با کمک وحید او را کشت.» در پی ثبت این اعترافات اصغر نیز بازداشت شد. او که نمی‌توانست جرمش را کتمان کند با پذیرفتن مسوولیت قتل گفت: «من نمی‌خواستم زن سابقم با دوستم ازدواج کند. در این باره به بهمن هم تذکر داده بودم ولی او دست‌بردار نبود تا اینکه تصمیم گرفتم او را بکشم. برای این کار از وحید کمک گرفتم. وحید با بهمن قرار گذاشت و ما دو نفری در آنجا با او درگیر شدیم و من با چاقو او را کشتم.» بنا بر این گزارش، دو متهم اکنون در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

در جلسه محاکمه مطرح شد

ادعاهای پزشک متهم به قتل درباره مرگ یک زن جوان

گروه حوادث: مرد پزشکی که متهم است یک زن را به قتل رسانده در جلسه محاکمه ادعا کرد متوفی بر اثر ایست قلبی جان باخته است. به گزارش خبرنگار ما، این پزشک ۴۲ساله که همایون نام دارد زمانی بازداشت شد که جسد زنی در خودرویی رها شده در خیابان ستارخان پیدا شد و پلیس برای به دست آوردن سرنخی از قاتل مکالمات تلفنی زن جوان را مورد بررسی قرار داد. این ردیابی‌ها به دستگیری همایون انجامید. او در بازجویی‌های مقدماتی به ارتکاب قتل اقرار کرد و پرونده‌اش برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه محاکمه این متهم که دیروز در شعبه ۱۱۳ ذبیح‌زاده برگزار شد نماینده دادستان تهران خطاب به قضات گفت: ماموران پلیس یک سال قبل با تماس تلفنی یک شهروند جسد زنی را پیدا کردند که به قتل رسیده بود. جسد این زن که معصومه نام داشت با طناب پیچیده و در یک خودرو کنار خیابان رها شده بود. چند روز بعد خانواده معصومه به پلیس مراجعه کردند. آنها که نمی‌دانستند این زن به قتل رسیده است به پلیس گفتند خبری از سرنوشت معصومه ندارند. بازپرس پرونده خانواده معصومه را به پزشکی قانونی معرفی کرد و آنها هویت جسد را مورد تایید قرار دادند. بنابراین تحقیقات برای شناسایی قاتل و انگیزه او آغاز شد. بررسی‌های تلفن زن جوان نشان داد او با دو شماره تلفن مرتب در تماس بود و با آنها مکالمات طولانی داشت. پلیس سپس متوجه شد تلفن‌ها به دو مرد که یکی از آنها پزشک است تعلق دارد و ماشینی که جسد در آن پیدا شده متعلق به خود مقتول است. نماینده دادستان ادامه داد: مظنون اول بازداشت شد اما از آنجایی که وی دلایل محکمی ارائه داد که ثابت می‌کرد زمان قتل با معصومه نبود از سوی دادسرا تبرئه و همه اتهامات متوجه همایون شد. وی ابتدا قتل را انکار کرد اما بعد از چندین جلسه بازجویی این اتهام را بر عهده گرفت و گفت: مدت‌ها بود که با معصومه ارتباط داشتم و با هم معاشرت می‌کردیم. او چند بار در هفته به خانه من می‌آمد. من هر بار به او پول می‌دادم. آخرین بار که به منزلم آمد حرف‌هایی زد که مرا خیلی ناراحت کرد. او هر بار با یک راننده می‌آمد، اما آن روز تنها بود. وقتی وارد خانه شد حالت عادی نداشت. ما با هم درگیر شدیم و من او را خفه کردم. بعد جسدش را با طناب بستم. چند روزی در خانه من ماند تا اینکه در یک فرصت مناسب جنازه را به خیابان ستارخان بردم و در آنجا رها کردم. اکنون من به عنوان نماینده دادستان تهران تقاضای صدور حکم قانونی را دارم. در ادامه اولیای دم مقتول در جایگاه حاضر شدند و برای همایون تقاضای صدور حکم قصاص کردند. سپس متهم پرونده به دفاع از خودش پرداخت. وی قتل را انکار کرد و مدعی شد تحت فشار و از روی ترس به قتل اقرار کرده بود. وی گفت: دو سال بود که معصومه را می‌شناختم و او به خانه من رفت و آمد داشت. روز حادثه با من تماس گرفت و گفت آدرس خانه‌ام را می‌خواهد. به او گفتم تو دو سال به خانه من آمدی چطور خانه‌ام را بلد نیستی. او با اصرار از من آدرس را گرفت. وقتی به منزلم آمد حالش خوب نبود. او به من گفت می‌خواهد مواد بکشد. من قبول نکردم و گفتم اجازه نمی‌دهم در خانه من چنین اتفاقی بیفتد. متهم ادامه داد: معصومه مشروب خورد. او خیلی زیاد مشروب مصرف کرد. بعد به سمت اتاق خواب رفت و روی تخت دراز کشید و خوابش برد. چند ساعت بعد وقتی سراغش رفتم تا بیدارش کنم دیدم حرکت نمی‌کند و نفس نمی‌کشد. علائم حیاتی‌اش را بررسی کردم و دیدم فوت شده است. خیلی ترسیده بودم. نمی‌دانستم باید چه کنم. تنها چیزی که به ذهنم رسید این بود که جسد او را از خانه بیرون ببرم. طناب‌پیچش کردم و بعد جسد را برای چند روزی در حمام خانه نگه داشتم تا اینکه در فرصت مناسب جسد را داخل ماشین خود معصومه گذاشتم و در کنار خیابان ستارخان رها کردم. وی ادامه داد: آن روز معصومه مقدار زیادی مواد مصرف کرده بود و من فکر می‌کنم ایست قلبی کرده است. در ادامه جلسه دادگاه وکیل مدافع متهم در جایگاه حاضر شد و گفت پزشکی قانونی در آخرین اظهارنظرش اعلام کرده معصومه بر اثر ایست قلبی ناشی از مصرف مواد فوت کرده است. او از قضات خواست حکم بر برائت موکلش بدهند. بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

قصاص، فرجام قتل همکار قدیمی

گروه حوادث: جوانی که همکار سابق خود در یک آژانس را به قتل رسانده بود، با حکم دادگاه به قصاص محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، این پرونده صبح ششم اردیبهشت سال گذشته، با اعلام گزارشی درباره مفقود شدن یک مرد میانسال به نام فرشاد گشوده شد. فرزندان این مرد به کارآگاهان پلیس آگاهی توضیح دادند پدرشان صبح روز قبل به محل کارش که یک موسسه کرایه اتومبیل است، رفت و از آن به بعد دیگر خبری از او نشد. کارآگاهان بعد از تشکیل پرونده تحقیقات خود را از محل کار فرشاد آغاز کردند. مدیر آژانس به آنها گفت فرشاد روز قبل به درخواست یک مسافر از آژانس خارج شد اما دیگر برنگشت و هیچ‌کس از او خبری ندارد. در حالی که مسافر ناشناس مظنون اصلی این پرونده شناخته شده بود، افسران آگاهی تلاش کردند سرنخی از او پیدا کنند. آنها در جریان تفحص‌هایشان فهمیدند فرشاد همان روزی که ناپدید شد با خودرو خود در حوالی پارک‌وی با یک اتومبیل دیگر تصادف کرده بود. پیدا کردن صاحب خودرو دوم و بازجویی از او نتوانست گرهی از این پرونده باز کند و سرنوشت مرد مفقود شده همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار داشت تا اینکه ۹ روز بعد جسد وی در حالی که کنار یکی از جاده‌های خروجی تهران رها شده بود کشف شد اما در صحنه جرم نیز ردی از عامل یا عاملان جنایت به دست نیامد. کارآگاهان که هنوز نتوانسته بودند خودرو مقتول را پیدا کنند به این امید ماندند که ردیابی اتومبیل مسروقه راز جنایت را فاش کند. ماموران گشت پلیس تهران حدود یک هفته پس از کشف جسد فرشاد خودرویش را در حال تردد در خیابان شناسایی و ضمن متوقف کردن آن راننده را بازداشت کردند. این مرد در بازجویی‌ها گفت ماشین را از پسرش به نام میلاد تحویل گرفته است. اطلاعات ثبت شده در پرونده گواهی می‌داد میلاد از همکاران سابق مقتول بود. این آشنایی و همچنین کشف خودرو قربانی مدارکی بود که پلیس علیه پسر جوان به کار گرفت و پس از دستگیری به بازجویی از او پرداخت. میلاد که ابتدا حاضر نبود زیر بار اتهام قتل برود بعد از چند جلسه پرسش و پاسخ سرانجام اعتراف کرد همکار سابقش را قربانی یک کینه‌جویی کرده است. این متهم بعد از امضا کردن اعترافاتش صحنه قتل را بازسازی کرد و پرونده او به جریان افتاد. بعد از اینکه کیفرخواست نماینده دادستان ضمیمه پرونده اتهامی میلاد شد او در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران به ریاست محمدسلطان همتیار تحت محاکمه قرار گرفت. متهم در جلسه دادگاه بعد از اینکه اولیای دم مقتول برایش درخواست قصاص کردند یک بار دیگر مسوولیت قتل فرشاد را قبول کرد اما مدعی شد فساد اخلاقی مقتول زمینه‌های این جنایت را فراهم کرد. میلاد در دفاع از خودش خطاب به پنج قاضی پرونده گفت: «حدود یک سال قبل از حادثه با مقتول همکار بودم، او دچار انحراف اخلاقی بود و از من می‌خواست به خواسته‌های غیراخلاقی‌اش تن بدهم. او بارها قصد داشت مرا مورد آزار و اذیت قرار دهد اما من اجازه ندادم تا اینکه من از آژانس رفتم و تصمیم گرفتم این کار او را تلافی کنم. روز حادثه از تلفن عمومی با آژانس تماس گرفتم و درخواست کردم مقتول را به صورت در اختیار به آدرسی که گفتم، بفرستند.» متهم ادامه داد: فرشاد به آن آدرس آمد و از او خواستم مرا به مقصدم ببرد، او دوباره حرف‌های قبلی را تکرار کرد؛ در خیابان ولیعصر دو لیوان شیرموز خریدم و قرص‌های خواب‌آوری را که از قبل خریده بودم داخل آن ریختم. فرشاد حدود نیم ساعت بعد از اینکه شیرموز را خورد، حالش بد شد و ما با یک خودرو تصادف کردیم. فرشاد را با کمک راننده‌ای که با خودرو او تصادف کرده بود، به صندلی شاگرد کشاندم سپس به سمت یکی از راه‌های خروجی تهران رفتم و او را آنجا رها کردم. فکر نمی‌کردم او کشته شود، فقط می‌خواستم او مدتی دنبال خودرو خود بگردد تا از کاری که با من کرده بود، پشیمان شود. بنا بر این گزارش بعد از اظهارات متهم، هیات قضات وارد شور شدند و دیروز میلاد را به ۱۰ سال حبس، تحمل ۱۰۰ ضربه شلاق و قصاص محکوم کردند.

حادثه‌ها

پزشکان مداوای معصومه را آغاز کردند

گروه حوادث: مداوای زن جوانی که توسط پدرشوهرش با اسید سوزانده شده است با کمک مردم نیکوکار آغاز شد. به گزارش خبرنگار ما، پنجشنبه هفته گذشته بیمارستان به دلیل نداشتن پول از بستری کردن این زن که معصومه نام دارد خودداری کرده بود اما با کمک مردم خیر و پرداخت هزینه اولیه، این زن در بیمارستان بستری شد. دکتر برادران‌رفیع پزشک معالج این زن ۲۸ساله بعد از بررسی وضعیت وی اعلام کرد معصومه باید از ناحیه هر دو چشم مورد عمل جراحی قرار گیرد و اگر به موقع عمل شود احتمال بهبودی او زیاد است اما قبل از عمل چشم او باید پلکش را که از بین رفته جراحی کند. عبدالصمد خرمشاهی روز گذشته بعد از عیادت از موکلش در بیمارستان به خبرنگار ما گفت: معصومه در شرایط بسیار بد روحی به سر می‌برد و نگران است به خاطر نداشتن پول چشمانش را از دست بدهد. این زن جوان شهریورماه به دلیل اینکه از همسرش جدا شده بود مورد هجوم پدرشوهرش قرار گرفت و از ناحیه صورت و دو چشم با اسید سوزانده شد. خرمشاهی از مردم خواست موکلش را تنها نگذارند و برای او دعا کنند. وی گفت: کسانی که تمایل دارند به معصومه کمک کنند می‌توانند کمک‌های مالی خود را به حساب ۳۳۳۲۵۷۵۲۹۰۰۲ بانک ملی به نام معصومه عطایی یا شماره حسابی که پیش از این برای معصومه و به نام وی اعلام شده بود، واریز کنند. وی گفت: شماره حساب‌ها متعلق به شخص خود معصومه است.

شمارش معکوس برای نجات معدنچیان شیلی

عملیات خارج کردن ۳۳ کارگر معدن که دو ماه از گرفتار شدن‌شان در عمق ۶۰۰ متری از سطح زمین می‌گذرد از فردا آغاز می‌شود. به گزارش ایسنا این معدنچیان ۶۷ روز قبل در پی بارش باران‌ها و رانش زمین در معدن «سن‌خوزه» در نزدیکی منطقه «کوپیاپو» گیر افتادند. البته در آن زمان اعلام شد تمامی آنها جان خود را از دست داده‌اند و ماموران امدادگر اصلاً احتمال زنده بودن آنها را نمی‌دادند اما ۱۷ روز بعد در حالی که امدادگران در تلاش برای بیرون کشیدن اجساد بودند، علائمی از سوی آنها و از عمق ۶۰۰ متری دریافت شد مبنی بر اینکه زنده هستند. تلاش‌ها از دو ماه گذشته برای نجات جان آنها ادامه دارد و خانواده معدنچیان با حضور در محل حادثه از نزدیک عملیات امداد را پیگیری و از طریق دوربین‌های مخصوص با آنها صحبت می‌کنند. وزیر معادن شیلی در مصاحبه‌ای با رسانه‌های این کشور عنوان کرد: در این مدت ماموران امداد با ارسال غذا، آب و کپسول‌های اکسیژن به آنها امدادرسانی کردند. به گفته وی، تمامی ۳۳ معدنچی در وضعیت سلامت روحی و جسمانی خوبی قرار دارند و از آن زمانی که متوجه شدند تا چند روز دیگر آسمان آبی را خواهند دید، وضعیت‌شان بهتر هم شده است. «جیمی مانالیچ» وزیر بهداشت شیلی نیز خاطرنشان کرد: ۳۳ معدنچی که جوان‌ترین آنها ۱۹ و پیرترین‌شان ۶۳ سال دارند به شدت با ما همکاری می‌کنند. وی گفت: ابتدای امر که متوجه زنده بودن آنها شدیم، اصلاً روحیه خوبی نداشتند اما با پیشرفت عملیات امداد و نجات و استقرار لوله‌ها و آسانسورهایی که قرار است برای بیرون کشیدن آنها استفاده شود، امیدوارتر شده‌اند. البته عملیات خروج هم به نوبه خود استرس‌زاست و اگر خاک دیواره و تونلی فرو بنشیند، امکان زنده به گور شدن معدنچیان پیش از نجات‌شان هست. در همین حال رسانه‌های شیلی با اشاره به ارسال بسته‌های غذایی ویژه از سوی ناسا برای معدنچیان گرفتار خبر دادند این رژیم غذایی باعث می‌شود معدنچیان دچار بی‌خوابی و تهوع نشوند.

قاصدان خبر تصادف دزد حرفه‌ای از آب درآمدند

گروه حوادث: کارآگاهان پلیس آگاهی استان خراسان رضوی افرادی را که با تهدید و ضرب و جرح اقدام به سرقت اموال شهروندان می‌کردند دستگیر کردند. سرهنگ ماشاءالله صادقی رئیس پلیس آگاهی استان خراسان رضوی با اعلام این خبر افزود: یکی از شهروندان مشهدی با مراجعه به پلیس آگاهی بیان کرد دو نفر با مراجعه به در منزل و اعلام خبر تصادف دخترم، در یک لحظه وارد حیاط شدند و با تهدید و ضرب و شتم طلاهای همسرم را به سرقت بردند. کارآگاهان پس از شنیدن اظهارات مالباخته و بررسی و تحقیقات ویژه متوجه شدند فقط یکی از بستگان او از سانحه تصادف دختر وی مطلع بود. سرهنگ صادقی افزود: «پس از تحقیقات به عمل‌آمده مشخص شد آن شخص با همدستی دو نفر دیگر این سرقت را انجام داده است.» رئیس پلیس آگاهی استان خراسان رضوی خاطرنشان کرد: متهمان در بازجویی‌ها به چندین فقره سرقت به عنف و دو فقره سرقت خودرو به همدستی فردی به نام «محسن» اقرار کردند و گفتند با شناسایی افرادی که وجوه نقد، اموال باارزش یا گوشی‌های مدل بالا با خود حمل می‌کردند، در موقعیتی مناسب برای سرقت به آنان حمله‌ور می‌شدند و با تهدید چاقو و قمه و ایجاد ضرب و شتم اقدام به سرقت می‌کردند.